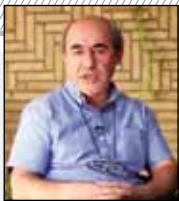


وظیفه‌ام را در ساخت «سرزمین کهن» انجام دادم



در دهه ۳۰ است، فاز دوم در دهه ۴۰ و فاز سوم در دهه ۵۰ می‌گذرد و این تغییر زمان که از فاز یک تا فاز سه حدود ۲۰سال بود باعث شد بعضی از شخصیت‌های سریال در فاز سوم تغییر کنند. از جمله این بازیگران می‌توان به آرش مجیدی، پرویش نظریه، سعید راد و... اشاره کرد. به‌گزارش آنها، این مجموعه تاریخ سیاسی- اجتماعی ایران از سال ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی را در بستر زندگی یک پسر بچه به نام «ری» بررسی می‌کند.

باید مدیران تلویزیون پاسخگو باشند. حتما مسئولان سیمیا زمان مناسبی را برای بخش «سرزمین کهن» در نظر گرفته‌اند که این سریال تاریخی به‌خوبی دیده شود. براساس این گزارش، سریال «سرزمین کهن» توسط علیرضا طالب‌زاده به نگارش درآمد و بازیگران متعددی در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند که آخرین صحنه‌ها از فاز سوم آن در شهرک سینمایی غزالی به پایان رسید. فاز اول این سریال

کارگردان سینما و تلویزیون در خصوص آخرین خبرها از سریال «سرزمین کهن» گفت: وظیفه‌ای که از سوی تلویزیون به دوش بنده گذاشته شده بود و البته دینی که به گردن داشتیم، پایان رساندن این سریال بود. کمال تیریزی با اعلام زمان پخش سریال «سرزمین کهن» اظهار داشت: از یک ماه گذشته ضبط و تصویربرداری مجدد سریال «سرزمین کهن» در شهرک غزالی به پایان رسیده است. وی ادامه داد: از زمان پخش سریال خبر ندارم و این سوال را

آفتاب روی خط آفتاب
۸۸۳۱۸۵۵۶-۸۸۳۱۸۵۵۵
پيام کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۱۴۲۷
تلگرام: ۰۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲

با توجه به عدم اعتماد اخیر مردم به برخی مؤسسات مالی و اقدام سپرده‌گذاران توأم با دغدغه نسبت به برداشت سپرده‌هایشان، از بانک مرکزی انتظار داریم نام مؤسسات مالی غیرمجاز را اطلاع‌رسانی و ضمن برخورد جدی با این مؤسسات مردم را از باز کردن حساب در آنجا منع کنند.

تمامی دستورات مقدسی را که خداوند به بندگانش امر فرموده است، صرف‌نظر از اجر و سعادت اخروی در سلامتی روحی و حتی جسمی انسان تأثیر فوق‌العاده می‌گذارد. تک تک اعمال عبادی و معنوی چون روزه، نماز و زکات به سهم خویش در طراوت شادی و آرامش انسان اثر می‌گذارد.

آمریکا مطمئن باشد با تعدد تحریم‌ها به هیچ یک از اهداف ضدبشری و ضدعقلانی خود از جمله به زانو درآوردن ایران اسلامی نخواهد رسید، الگوی امت اسلامی ایران تعالیم قرآن کریم و سیره اهل‌بیت معصوم(ع) و ولایت است و شجاعانه و مقتدرانه بر ارزش‌ها و آرمان‌های خود استقامت می‌ورزد.

اصلاحات اردوگاه شیرمردان و شیرزنان است. آقای دکتر روحانی کسانی که از دولت شما در انتخابات سکوت اختیار کردند تا نان به نرخ روز بخورن را عزل کنید.

بنده در چهارمین ماه ریاست‌جمهوری آقای روحانی گفتم ایشان باید رحمانی وزیر کشور را عوض کند، چون از جنس این دولت نیست.

رئیس ستاد انتخابات کشور در مورد تخلفات انتخابات با مورد تخلفات در ایام تبلیغات انتخاباتی اشاره می‌کند که اگر وقایع آن روزها را مرور کنیم به پاره‌کردن پوست‌ترا و بنرها و حمله به ماشین رئیس‌جمهور در بازدید از معدن استان گلستان و شایعه... می‌رسیم، البته سطل آشغالی آتش‌زده نشد، ولی کارهای مختصری انجام شد که می‌تواند در حد جرم به مرجع صالح قضایی ارجاع شود.

به این آقای مهدی تقوی، اقتصاددان‌تان بگویید نرخ تورم به‌خاطر پایین نگه‌داشتن مصنوعی و هزینه‌بر نرخ ارز پایین است.

سلام، خسته نباشید. چهارشنبه شب ۳۱خرداد در برنامه خندوانه شاهد یک اتفاق بسیار شایسته فرهنگی بودیم. همانطوری که شما هم خیر درگیری لفظی خانم بهناز جعفری و خبرنگاران و پس از آن واکنش رامبد جوان نسبت به آن جریان و نظریات مختلف را پوشش دادید؛ آقای رامبد جوان ضمن اعتراف به اشتباهشان آقای صفر کشکولی را دعوت کردند و در حضور بینندگان از ایشان عذرخواهی کردند؛ با آنکه شخصی بدون اجازه فایل صوتی را که در یک گروه خصوصی بیان شده بود را نشر داده ولی صورت مسئله را پاک نکردند و با جنجال و هوچی‌گری خود را بی‌گناه نشان ندادند کار دین‌بش‌شان واقعا تحسین‌برانگیز بود. امیدواریم فرهنگ اعتراف به اشتباه و پذیرش آن و عذرخواهی در جامعه نهادینه شود. وظیفه شما به‌عنوان یک رسانه فرهنگی این است که گزارش این برنامه را با درشت‌ترین حروف در صفحه اول روزنامه خبررسانی کنید.

چندین سال است که روزنامه آفتاب را تهیه و مطالعه می‌کنم. در این سال‌ها مطالب مفید بسیار بوده است، ولی خداکلیلی از درد مردم محروم کرمانشاه هنوز نگفته‌اید آنگونه که برای تهران و دیگر جاها وقت و هزینه می‌کنید. ما هم ایرانی هستیم.

چندین سال است که روزنامه آفتاب را تهیه و مطالعه می‌کنم. در این سال‌ها مطالب مفید بسیار بوده است، ولی خداکلیلی از درد مردم محروم کرمانشاه هنوز نگفته‌اید آنگونه که برای تهران و دیگر جاها وقت و هزینه می‌کنید. ما هم ایرانی هستیم.

«یک روز طولانی» به جشنواره دوربین راه یافت

فیلم سینمایی «یک روز طولانی» ساخته بابک بهرام بیگی در ادامه حضور جهانی خود به جشنواره دوربین آفریقای جنوبی راه یافت. جشنواره دوربین یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین جشنواره‌های فیلم آفریقای جنوبی است. این فیلم داستان فردی است به نام شاهین که پس از سال‌ها به زادگاهش سفر کرده و در دوراهی اخلاقی قرار می‌گیرد که...

برای ورود به مصاحبه لطفا درباره متن، شخصیت‌ها و بازیگران نمایش برایمان بگویید.

متن این نمایش بر اساس بازی ننه غلام حسینی نوشته شده که یکی از بازی‌های قدیمی ایران است که در واقع کامل‌ترین خرده نمایش زنانه ایرانی است. در خصوص دلیل انتخابش هم باید بگویم که این متن قابلیت تبدیل شدن به یک نمایشنامه بلند را داشت و این موضوع باعث شد که ما آن را روی صحنه ببریم. طرح اولیه این متن توسط خانم رویا پارسا به نگارش درآمد و در ادامه خانم پریسا کیومرثی به کار اضافه شدند. می‌توانم بگویم این کار کاملا کارگاهی پیش رفت به این مفهوم که به این صورت نبود که ما از ابتدا یک متن آماده داشته باشیم و بعد بر اساس آن بقیه مراحل را طی می‌کردیم. دوستان می‌امند سر تمرین، اتود می‌زدیم و برای صحنه‌های مختلف تصمیم‌گیری می‌کردیم. در تمام مراحل تمرین و اتودزدن و تصمیم‌گیری سعی‌مان بر این بود که از تمام عناصر ایرانی استفاده کنیم. درباره شخصیت‌ها و بازیگران هم باید بگویم که محمد طیب طاهر در نقش غلامحسین، نرگس نیک سیرت در نقش مادر، سسمیه برجی در نقش صنم، شراره سلیم بیات در نقش شیرین حضور داشتند، به علاوه سه بازی‌ساز دیگر که در صحنه‌های مختلف حضور داشتند که شامل خانم‌ها جوانه دلشاد، شبنم فرجی‌ها و فریبا رسولی می‌شدند.

پیش از این هم این نمایش روی صحنه رفته بود؟

بله، با یک تیم دیگر این نمایش را در سی و چهارمین جشنواره تئاتر فجر روی صحنه بردیم.

و به چه دلیل با همان تیم قبلی برای اجرای عمومی ادامه ندادید؟

به این دلیل که تایم این اجرا با وقت اعضای تیم قبلی هماهنگی نداشت و به‌ناچار از بازیگران جدید دعوت به همکاری شد.

هدفتان از اجرای چنین نمایشی با مضمون زنانه چه بود؟

تمام هدف من از به صحنه‌بردن چنین نمایشی این بود که یک خرده نمایش ایرانی را بازکار کرده و بتوانم از آن بازخوانی دوباره‌ای داشته باشم.

گفتید که طرح اولیه نمایش را خانم رویا پارسا نوشته بودند، چقدر به متن ایشان وقادار بودید؟

بیس اولیه کار را بر اساس همان طرحی که خانم رویا پارسا نوشته بودند آغاز کردیم. در ادامه هم که خانم کیومرثی به کار اضافه شدند باز بر اساس طرح اولیه پیش رفتیم. فقط یکسری از صحنه‌ها را به‌دلیل اینکه خاصیت نمایش ایرانی ایجاب می‌کرد که مثلا نقالی خوانی یا تعزیه‌خوانی زنانه داشته باشیم پیشنهادهایی را مطرح کردم که به طرح اولیه افزوده شد.

یک واژه‌ای را در سخنانتان به‌کار می‌برید به‌نام «خرده نمایش». کمی درباره‌اش توضیح دهید که اساسا چیست و به چه گونه نمایشی «خرده نمایش» می‌گویید؟

«خرده نمایش» یکسری از نمایش‌های کوتاه و بازی‌های زنانه که زنان در اجتماعات زنانه در اندرونی‌ها اجرا می‌کردند را شامل می‌شد که به‌دلیل اینکه امروزه ما در اجرا و به صحنه‌بردن آن بازی‌ها با نمایشنامه بلندی سروکار نداریم به آن «خرده نمایش» می‌گوییم. در مورد این نمایش‌ها تاریخچه مدونی در دست نیست و طبق منابع موجود از دوران صفویه به بعد گروه‌های مطرب زنانه‌ای وجود داشتند که در مجالس خصوصی زنانه و در پشت درهای بسته به اجرای انواع رقص‌ها و خرده نمایش‌های موزیکالی می‌پرداختند. این نمایش‌ها عمدتا حول محور مسائل و مشکلات زنان شکل می‌گرفت، مسائلی از قبیل هوو آوردن، خواستگاری رفتن، دعوی میان زن و شوهر و ارتباط زنان خانه‌دار با دیگر اقشار جامعه، نمایش‌هایی چون بازی ننه غلامحسین، خاله رورو، آقو چرا زن استدی، موسیقی‌بازی فروش، ابجی صنم و... نمایش‌های موزیکالی هستند که همراه با رقص و آواز اجرا می‌شد. دوره قاجار دوره اوج این نمایش‌های زنانه است. هر چند تا حکومت پهلوی نیز همچنان در مجالس خصوصی زنانه اجرا می‌شدند، متأسفانه امروزه جز نامی و یادى از این آثار باقی نمانده است.

پس مفهوم واژه «خرده نمایش» شامل داستان‌های کوتاهی نمی‌شود که نمایش «خواب طولانی انارآباد» را تشکیل می‌داد، درست است؟

«خواب طولانی انارآباد» بر اساس خرده نمایش ننه غلامحسین نگاشته شده است. در واقع در این نمایش با یک داستان نمایشی مواجهیم، اینکه

خوشبختانه مدتی است که اتفاقات خوبی در حوزه فرهنگ در حال رخ دادن است



گروه موسیقی در همه مراحل پیشرفت کار با ما همراه بود و هر صحنه‌ای را که اتود می‌کردیم آنها هم در کنار ما حاضر بودند و کار می‌کردند. با هم کار می‌کردیم و نقطه‌نظرانمان را با هم درمیان می‌گذاشتیم تا زمانی که به این نتیجه می‌رسیدیم که خوب این موسیقی با این صحنه همخوانی دارد و آن صحنه را با موسیقی‌اش به تایید نهایی می‌رساندیم

شما می‌گویید داستان‌های کوتاه، باید بگویم که بیس اصلی بازی ننه غلامحسینی مادر جاه‌طلبی است که تصمیم می‌گیرد برای پسر گنگ و گیجش زن بگیرد در ادامه ننه غلامحسینی سراغ هر خانه‌ای می‌رود کسی قبول نمی‌کند دخترش را به پسر ننه غلامحسینی بدهد، اما در نهایت با یک خانواده به توافق می‌رسد که حاضر می‌شوند دخترشان را به پسر ننه غلامحسینی بدهند. در ادامه وقتی که توافق بین دو طرف صورت می‌گیرد و مراسم برگزار می‌شود، وقتی دختر و پسر سر سفره عقد می‌نشینند اتفاق دیگری می‌افتد، هنگامی که عاقد برای عقد دختر و پسر می‌آید از دختر خوشش می‌آید و او را به عقد خودش درمی‌آورد و در واقع ازدواج پسر ننه غلامحسینی منتفی می‌شود.

البته در طول نمایش می‌بینیم که صندلی‌ها کارکردهای دیگری هم دارند.

کاملا درست است. کارکردهای دیگری دارند. در جایی در می‌شوند، در جایی گازی می‌شوند و...

در طراحی صحنه خودتان هم پیشنهادهایی داشتید یا تماش برعهده طراح صحنه بود؟

به‌دلیل اینکه علاقه شخصی خودم این است که صحنه، صحنه مینیمال و کاربردی باشد سعی‌مان این بود که این اتفاق در صحنه این نمایش بیفتد که فکر می‌کنم در این زمینه به هدفی که در نظر داشتیم، رسیدیم.

داستان نمایش «خواب طولانی انارآباد» در چه مقطع زمانی و مکانی رخ می‌دهد؟ کل داستان در موقعیت مکانی انارآباد رخ می‌دهد یا شخصیت‌ها در جای دیگری هستند و در انتهای نمایش هم انار می‌روند؟ برداشت من این بود که هرچه به پایان نمایش نزدیک می‌شویم ورود بیشتری به موقعیت مکانی انارآباد داریم.

ما کمی روایت خطی داستان نمایشمان را به هم ریختیم. در ابتدای نمایش می‌شنویم که عنوان می‌شود من به انارآباد آمدم. بعد از آن فلش‌بکی به گذشته و به تمام وقایعی که رخ داده است زده می‌شود. اینکه اینها به انارآباد آمده‌اند و باقی مسائلی که برایشان پیش آمده و در نهایت بازگشایی این موضوع که اصلا چرا اینها به انارآباد آمده‌اند؟ اصلا انارآباد کجاست؟ و در نهایت چه اتفاقی برای شخصیت‌های داستان می‌افتد؟

پس می‌توان گفت داستان از آخر به اول می‌آید، درست است.

بله. ما اینگونه روایت خطی داستان را به هم ریختیم.

ریتم کلی موسیقی نمایش، ریتمی شاد بود، اما استنباط من از داستان نمایش یک موضوع غم‌انگیز بود این غم نهفته در دیالوگ‌ها و اکت‌های نمایش را چگونه با ریتم شاد موسیقی نمایش هماهنگ کردید؟

می‌دانید که موسیقی یکی از ارکان اصلی نمایش‌های ایرانی است. باید بگویم که در ابتدا دیالوگ‌ها نوشته شد و بعد موسیقی روی نمایش سوار شد به این صورت که به فرآخویر صحنه‌ای که شامل اکت و دیالوگ مثلا غم‌انگیز بود ریتم موسیقی مخصوص به آن صحنه نواخته می‌شد.

برای ساخت و پرداخت موسیقی این نمایش از چه سازهایی استفاده کردید؟

به هر حال نمایش ایرانی ساز ایرانی را می‌طلبد. ما هم از این قاعده تبعیت می‌کنیم و از سازهایی مانند کامنچه، تار، دایره و تمبک استفاده کردیم.

در ابتدای مصاحبه گفتید که کار به‌صورت کاملا کارگاهی پیش می‌رفت، بنابراین باید تیم موسیقی مدام در کنار شما



«خرده نمایش» یکسری از نمایش‌های کوتاه و بازی‌های زنانه که زنان در اجتماعات زنانه در اندرونی‌ها اجرا می‌کردند را شامل می‌شد که به دلیل اینکه امروزه ما در اجرا و به صحنه بردن آن بازی‌ها با نمایشنامه بلندی سروکار نداریم به آن «خرده‌نمایش» می‌گوییم

این نمایش سه روایتی است. روایتی که صنم دختری که قرار است او را به عقد غلامحسین درآورد که ازدواجش به‌هم می‌خورد، روایتی که غلامحسین دارد و روایتی که شیرین دارد

گفتگوی آفتاب یزد با آما گشتاسب، کا

«خواب طولانی» قصه تنهایی

صحنه رفته‌اند و هم دردرس کمت سانسور و بقیه مسائل دارند. اما «آما گشتاسب» روی تمام عقایدی سختی اجرای نمایشنامه‌های ایرانی جساتی تحسین‌برانگیز یک نمایان روی صحنه برده بود. آنچه در «خواب طولانی» را به خود جلب می‌کرد نمایشی که تماشانش ایرانی بودند. تو به عند نظاره‌گر یک تئاتر خشک و خالی، که در سالن تارک انتظامی روی

دادیم و از موسیقی ترکیبی استفاده کردیم و در کنار سازهای ایرانی از سازهای خارجی مانند ویولنسل هم استفاده کردیم، اما در اجرایی که شما شاهد آن بودید تمام سازها ایرانی بودند.

به خاطر اینکه نمایش ایرانی بود و باید از موسیقی بهره می‌برد شما از نوازنده‌ها در نمایش استفاده کردید یا آنها هم جدا از نواختن موسیقی در نمایش هم نقش بازیگری داشتند؟

شانس بزرگی که ما آوردیم این بود که آقای عنایت خادم بشیری یکی از نوازندگان خودشان علاوه بر اینکه نوازندگی می‌دانند و آن را دنبال کرده‌اند، تئاتر هم خوانده‌اند، یعنی هم بازیگری و هم آهنگساز قابلی هستند. برای من به‌عنوان کارگردان مهم بود کسی را که برای نوازندگی نمایشم وارد صحنه می‌کنم یا تئاتر آشنا باشد و نمایش ایرانی را خوب بشناسد.

در برخی از صحنه‌های نمایش بازیگران خصوصا شخصیت غلامحسین از واژه‌ها و تکیه کلام‌های امروزی استفاده می‌کردند

آفتاب یزد - یوسف خاکبان: عصر یکی از روزهای گرم تابستان به سفارش یکی از دوستان تئاتر بین راهی خانه هنرمندان ایران شدم تا ساعت ۷ بعدازظهر به تماشای نمایشی کاملاً ایرانی بنشینم، نمایشی با نام «خواب طولانی انارآباد» که از روز سه‌شنبه ۳۰ خرداد تا دوشنبه ۱۹ تیر در سالن استاد انتظامی به روی صحنه می‌رفت. راستش بیشتر بارها به تماشای نمایش‌های مختلف نشسته بودم، اما کمتر نمایشی را دیده بودم که کارگردانش جساترت به صحنه‌بردن یک داستان ایرانی را داشته باشد. بیشترشان به نمایشنامه‌های خارجی اکتفا می‌کردند، دلیشان هم این بود که به صحنه بردن نمایش‌های خارجی از اجرای نمایش‌های ایرانی راحت‌تر است؛ هم بارها روی



آرزویم این است که تمام کسانی که در کشورمان تئاتر کار می‌کنند، بدانند که در ادبیات ما منابع بسیار غنی‌ای در زمینه نمایشنامه‌های ایرانی وجود دارد که می‌توان روی آنها کار کرد. بدانیم که وقتی راجع به نقالی یا تعزیه‌خوانی زنانه حرف می‌زنیم دریایی از مطلب در دل تاریخ‌مان داریم که می‌توانیم روی آنها کار کنیم. بدانیم که اینها گذشته و فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند و ما می‌توانیم از آنها به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم تا هم برای هنر نمایش و هم برای ادبیات‌مان اتفاقات خوبی رخ دهد

بوده و کارهای موسیقایی نمایش هم همزمان با کارهای نمایشی پیش می‌رفت، درست است؟

کاملا درست است. گروه موسیقی در همه مراحل پیشرفت کار با ما همراه بود و هر صحنه‌ای را که اتود می‌کردیم آنها هم در کنار ما حاضر بودند و کار می‌کردند. با هم کار می‌کردیم و نقطه‌نظرانمان را با هم در میان می‌گذاشتیم تا زمانی که به این نتیجه می‌رسیدیم که خوب این موسیقی با این صحنه همخوانی دارد و آن صحنه را با موسیقی‌اش به تایید نهایی می‌رساندیم.

اتودزدن و هماهنگ کردن موسیقی و اکت‌ها و دیالوگ‌های بازیگران و گرفتن تایید نهایی چه مدت طول کشید؟ از چه سازهایی برای نواختن موسیقی در این نمایش استفاده کردید؟

کار با موسیقی و مچ‌کردن موسیقی با متن، پروسه زمانی طولانی داشت به این دلیل که متن روزه‌روز جلو می‌رفت و اینگونه نبود که ما متن را داشته باشیم و کار موسیقی را بر اساس متن از پیش نوشته شده پیش ببریم. حتی خاطرم هست که صحنه آخر نمایشمان را یک روز قبل از اجرا به تایید نهایی رساندیم.

در مورد سازها هم باید بگویم که به هر حال طبیعتی است که وقتی یک نمایش ایرانی با موسیقی روی صحنه می‌رود باید سازهایی که موسیقی آن نمایش را می‌نوازند هم ایرانی باشند ما هم در این نمایش از سازهای ایرانی مانند کامنچه، تار، دایره و تمبک استفاده کردیم. البته در مورد سازها این را هم باید اضافه کنم که ابتدا ما سعی کردیم از یک موسیقی ترکیبی استفاده کنیم یعنی موسیقی‌ای که هم ساز ایرانی در آن وجود دارد و هم ساز خارجی. این کار را البته برای اجرایی که برای جشنواره فجر روی صحنه بردیم انجام